



سال‌های نه‌چندان دور پیش از این تاریخ، در تهران عبارتی با عنوان مبلمان شهری در معنای امروزی آن هنوز شکل نگرفته بود. پیاده‌روها محل عبور و مرور ضروری بودند و پارک‌ها در شکل باغ‌های خصوصی و خانوادگی نیاز خانواده‌های مرفه را تأمین می‌کردند. سایر مردم در طبقات پایین‌تر برای استفاده از هوای آزاد به دامن کوه‌ها پناه می‌بردند. کسبه محل شاید دقایقی بر سکوهای کنار دکان‌هایشان می‌نشستند و با همسایگان‌شان گپ می‌زدند. اتوبوس، مینی‌بوس، تاکسی و ایستگاه هم در کار نبود. و به این ترتیب در فضای شهری که تازه شکل گرفته بود نیازی به وجود استراحتگاه‌های موقت احساس نمی‌شد. اما امروزه با تغییرات گسترده‌ای که در ساختار شهری و شیوه زندگی مردم رخ داده است نیازهای جدیدی تعریف شده‌اند که مبلمان شهری نیز از آن دسته است. در تعریف اولیه، مبلمان شهری شامل آن دسته از تجهیزاتی می‌شود که در فضای شهری برای استفاده مردم و در جهت آسایش آنها تعبیه شده‌اند که از بارزترین نمونه‌های آن نیمکت‌های پارک‌ها و نیز نیمکت‌هایی است که به تازگی در پیاده‌روهای خیابان‌های اصلی نصب شده‌اند. از دیگر نمونه‌های آن می‌توان به ایستگاه‌های اتوبوس نیز اشاره کرد.

نیمکت‌های موجود در پارک‌ها به عنوان قدیمی‌ترین شکل مبلمان شهری به روشنی گویای روند طراحی و اجرای نخستین نمونه‌های مبلمان شهری در تهران هستند. تجربه مبلمان شهری در پارک‌های تهران تجربه منحصر به فرد و ارزشمندی نبوده است. علت این امر همان طور که در بسیاری از مقالاتی که پیش از این پیرامون این موضوع به رشته تحریر درآمده است عدم توجه کافی به مسائلی چون استفاده مناسب از فضاهای شهری، زیباسازی شهر و استفاده بهینه از امکانات در دسترس است. جدا از اینها عدم توجه به دیراین و کارکرد صحیح این گونه تجهیزات، مبلمان شهری را در تهران در سطح پایینی از کیفیت قرار می‌دهد. نیمکت‌های پارک‌ها طی سال‌های متمادی همان شکل نخستین خود را با اندکی تغییرات در رنگ و اندازه حفظ کرده‌اند، همان نیمکت‌های فلزی سبزرنگی که برای چندین نسل بسیار آشناست.

از نصب نیمکت‌های سنگی در خیابان‌های اصلی تهران نیز مدت زیادی نمی‌گذرد اما با وجود اختلاف زمانی زیادی که از ظهور نخستین نمونه‌های مبلمان شهری در پارک‌ها تا نیمکت‌های خیابانی وجود دارد تحولات چشمگیری به نظر نمی‌رسد. گویی این نیمکت‌های سخت نیز راه همان نیمکت‌های زنگ‌زده پارک‌ها را پیش گرفته‌اند که نه ظاهر زیبایی‌شناسانه دلچسپی دارند و نه انچنان راحت هستند که کسی مجذوب گذراندن اندکی از وقتش با نشستن روی آنها شود.

ایستگاه‌های اتوبوس به عنوان زیرمجموعه‌ای از مبلمان شهری جزء ضعیف‌ترین بخش به شمار می‌آیند. هرکسی که یک بار تجربه ایستادن در این ایستگاه‌ها را برای مدتی داشته باشد به راحتی درمی‌یابد که از میان مردم تنها دسته‌ای که نیاز



میرم به استراحت دارند از این تجهیزات استفاده می‌کنند. این نمونه از مبلمان‌های شهری در تهران همچون سایر نمونه‌ها در فصل گرما بسیار سوزان و در فصل سرما آنچنان سرد هستند که به سختی می‌توان روی آنها نشست. از سوی دیگر عدم وجود سایبان مناسب در آفتاب و باران کار را از این هم ضعیف‌تر می‌کند. با وجود نقدهای وارد به مبلمان شهری از منظر کارکرد و زیبایی که شامل موارد بسیاری چون فرم کلی نیمکت‌ها به عنوان یک سازه طراحی صنعتی، طرح و رنگ و نقش نیمکت‌ها به عنوان امری زیبایی‌شناسانه در امتداد تکمیل فضای مناسب شهری، کارکرد دقیق جهت آسایش شهروندان و در آخرین مرحله قرارگیری نیمکت‌ها در مکان‌های مناسب است، انتقادهای دیگری نیز به امر مبلمان شهری در تهران وارد است. شاید آنچه بیش از هر چیز مبلمان شهری را به عنوان یک نیاز زندگی شهری رقم می‌زند فرهنگ استفاده از آن در قالب شکل‌گیری این مفهوم میان شهروندان باشد. فرهنگ شهروندان در ارتباط با محیط اجتماعی می‌تواند شکل‌دهنده برخورد آنها با مقوله مبلمان شهری به عنوان نمونه‌ای از تجهیزات موجود در شهرها باشد که استفاده از آن مرسوم و روزمره می‌شود. آنچنان‌که به نظر می‌رسد مبلمان شهری تنها در قالب نیمکت‌های پارک‌ها و ایستگاه‌های اتوبوس برای شهروندان تهرانی امری ملموس است چرا که استفاده از نیمکت‌های موجود در سطح خیابان‌ها هنوز به امری روزمره تبدیل نشده است. این موضوع را باید در نوع زندگی و خصوصیات اجتماعی افراد بررسی کرد. با این تفاسیر گمان می‌رود استفاده از نیمکت‌های خیابانی به عنوان مبلمان شهری هنوز جایگاهی در فرهنگ شهروندان ندارد و جز در موارد معدودی به گونه‌ای مورد برخورد قرار نمی‌گیرد که راهی به سوی پیشرفت تجهیزاتی از این دست بشکاید و فرهنگ نوین خیابانی را شکل دهد.

■ ■ ■

امروزه مبلمان شهری از شکل اولیه خود در قالب نیمکت‌های موجود در پارک‌ها فراتر رفته و در میان خیابان‌های اصلی شهر به جزئی از عناصر شهری بدل شده است. هر چند این عنصر ناسازگار با محیط اطرافش باشد و شکل مناسبی هم برای استراحت نداشته باشد، در نگاه اول هر عابری را به این فکر می‌اندازد که لحظه‌ای در کنار جوی آب ولیعصر و ازدحام ماشین‌ها نشستن بر این نیمکت‌ها را تجربه کند. خصوصاً آن دسته از افرادی که خیابان ولیعصر را با درختان چنار کهنسالش می‌تانند. این گونه از مبلمان شهری که عمر کوتاهی در تهران دارد با تمام نواقص می‌تواند سبب تغییرات گسترده در رویکرد مردم نسبت به فضای اطرافشان باشد و شکل تازه‌ای از رفتار اجتماعی را به همراه آورد به گونه‌ای که به بخشی از زندگی روزمره شهروندان تبدیل شده و تجربیات جدیدی را در اختیارشان قرار دهد. البته قابل ذکر است که برای دستیابی به چنین اهدافی راه زیادی مانده است؛ راهی که جز با توجه دقیق مسئولان، برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح میسر نمی‌شود. تاکنون قدم‌های اولیه در جهت بهینه‌سازی فضای شهری در قالب مبلمان شهری سال‌های طولانی به درازا کشیده است. امید می‌رود از این پس شاهد حرکت رو به رشدی در عرصه امکانات شهری در جهت رفاه شهروندان باشیم.

## ۱۲ شهر، آجر، سیمان

### بهترین‌های طراحی نیمکت

# نیمکت‌هایی به مثابه اثر هنری



آمیتیس امیرشاهی: نیمکت یکی از اصلی‌ترین جزئیات مبلمان هر شهری است. همان طور که طراحی داخلی و مبلمان خانه‌ها زندگی را در خانه‌های تنگ‌وترش و آبرآتمان‌های کوچک و بزرگ قابل تحمل و گاهی دلنشین می‌کند، در هیاوهی شهرها هم این مبلمان شهری است که می‌تواند احساسی خوش را برای شهروندان در فضاهای عمومی به وجود بیاورد. تصورش را بکنید، وقتی خسته از هیاوهی شهر، یک روز تعطیل را از خانه بیرون می‌زنی، چه چیز بهتر از اینکه نیمکتی نرم و راحت را در گوشه پارکی پیدا کنی که منظری خوشایند را پیش چشم تو باز می‌کند.

وجود نیمکت اگرچه در تمامی نقاط پررفت و آمد یک شهر لازم است اما وقتی صحبت از آن می‌شود، نخستین فضای شهری‌ای که ناخودآگاه به ذهن می‌رسد، پارک است. شاید بتوان باری به هر جهت پیاده‌روی طولانی‌ای را در خیابانی، آن هم با کلی خستگی تاب آورد اما یک پارک

### پایان >

## تکیه به درخت

آنچه «مانوئل گاردین» با نیمکت دایرووارش به آن اشاره می‌کند، بسیار ساده است. حقیقت آن است که بسیاری از اوقات، ما از کنار درختان می‌گذریم بدون آنکه به آنها توجه کنیم، آنها را احساس کنیم، نگاهشان کنیم یا لختی در سایه برگ‌هایشان بیاساییم. ثروتی که به واسطه این غول‌های سبز به ما پیشکش می‌شود، همواره نادیده گرفته شده است؛ ثروتی که حیات ما به آن وابسته است و نمی‌گذارد زمین زیر پامان به بیابانی خشک و غیرقابل سکونت تبدیل شود. مردم معمولاً توجه نمی‌کنند که چه انرژی عظیمی در درختان نهفته است؛ انرژی‌ای که به سادگی از طریق یک تماس کوچک به انسان منتقل خواهد شد. تنها کافی است برای اندک زمانی به تنه قدرتمند آن تکیه کنیم تا جریان این انرژی را زیر پوست تزمان احساس کنیم. سکوهای طرح گاردین، به شما امکان نوعی حس تجدید پیوند با طبیعت می‌دهد؛ نوعی حس اندیشیدن و بازگشت به اصل طبیعی خود، بر گرد یک درخت، روی یک نیمکت.



### پایان >

## نیمکت‌های منشوری

یکی دیگر از طرح‌های برنده در مسابقه طراحی نیمکت برای باغ «آربرتین»، طرح منشوری پیشنهادی آنی براسور است. قاعدتا طرح این نیمکت نیز با علم به ویژگی‌های خاص هندسی و نظم یکپارچه باغ، دست به طراحی نیمکت زده است. آنی براسور تلاش کرده به گونه‌ای نیمکت‌های خود را طراحی کند که انگار از اول جزئی از پارک بوده‌اند. این نیمکت‌ها به شکل تخته‌سنگ‌های منشوری و نامنظم در امتداد میدان «پتری» (روبه‌روی کلیسای جامع) در فضایی فرورفته قرار گرفته‌اند. فرورفتگی فضایی که نیمکت در آن قرار گرفته، نوعی حجب و حیاى شیء اضافه‌شده به باغ را نشان می‌دهد که به خود اجازه نداده تا مسیر پیاده‌رو پیش بیاید و بسیار مودب عقب‌تر از فضاهای قدیمی باغ قرار گرفته است. جاگذاری این نیمکت‌ها واقعاً هوشمندانه است، به گونه‌ای که تصور می‌شود انگار از اول قرار بوده این نیمکت‌ها اینجا قرار بگیرند. طرح در عین حال که مدرن است، اما نمی‌توان آربرترین را بدون آن تصور کرد. حالت افقی

### پایان >

## انحنایی مابین انعطاف و استحکام

اغلب طرح‌های پیشنهادی برگزیده برای نیمکت‌ها، دم‌دستی‌ترین احساسات آدم را، مثل نوستالژی طبیعت، حجب و حیا، احترام به فضاهای کناری و حتی نوعی هیجان رمانتیک نشانه گرفته‌اند. اما یکی از این نیمکت‌ها هست که هم ظاهری عجیب و غریب‌تر از بقیه دارد و هم درونمایه انسانی پیچیده‌تر.

این نیمکت که کار مشترکی است از «مایکل بیهاین»



بدون نیمکت؟ نه، این دیگر به راستی فاجعه‌ای است. قرار ملاقاتی با یک همکار یا دوست، خوردن یک ساندویچ، لختی تمدد اعصاب، گذران ساعات بازنشستگی در کنار همسالان یا نگاه کردن کودک خردسال‌تان که مشغول دویدن و بازی در پارک است، بدون وجود نیمکتی راحت و ترجیحا زیر سایه خنک یک درخت چگونه خواهد بود؟ حال اگر با دیدن این نیمکت، حس زیبایی‌شناسی شما هم ارضا شد، خب چه از این بهتر؟ امروزه در بسیاری از کشورها، مسابقاتی برای طراحی نیمکت‌های شهری به خصوص در پارک‌ها یا سایر نقاط خوش‌منظره، با هدف تشویق طراحان به تصور و خلق مبلمان‌های نوآورانه شهری برگزار می‌شود. معرفی برخی از طرح‌های برنده و آشنایی با ایده‌های مطرح مربوط به چند دوره از یکی از این مسابقات معتبر که هر سال با حمایت سازمان محیط زیست بروکسل در سراسر اروپا برگزار می‌شود، خالی از لطف نیست.



پیشنهادی‌شان «سایه» را ملاک عمل قرار دادند؛ یکی از معدود پدیده‌های طبیعی‌ای که ممکن بود تا حدودی تحت کنترل انسان باشد.

طرح پیشنهادی این دو برای طراحی نیمکت‌های جدید، بر پایه استفاده از سایه صورت گرفته است. خلل و فرج و شکل سایه درختی است که در کنار نیمکت ریشه در خاک دارد و از آنجا که در طول روز، مکان و شکل سایه تغییر می‌کند، شما هیچ‌گاه نمی‌توانید با قاطعیت

### پایان >

## مونولیتیک (یکپارچه)

نیمکت‌هایی که «پاول گرابلنی» برای باغ «آربرتین» واقع در میان کتابخانه رویال آلبرت و موزه هنری تازه‌تأسیس پاریس پیشنهاد کرده است، حتماً باید نیمکت‌های خاص و ویژه باشند که کلیه اقتضائات محیطی این باغ خاص را در نظر گرفته و حواش به همه جا جمع است. به هر حال وقتی قرار است یک شیء تازه به محیط این باغ اضافه شود، باید متوجه این نکته بود که در باغی که به سبک باغ‌های فرانسوی ساخته شده و هر بوته گیاهی

مانند یک تخته سنگ یکپارچه هرس شده و همه چیز از نظم و صلیبت خاصی پیروی می‌کند، هیچ چیز در آن اتفاقی نیست. البته طراحی نیمکت نمی‌تواند بی‌توجه به محیط پیرامونش و به صورت یک وصله ناجور اتفاق بیفتد. نیمکت‌های مونولیتیک، مانند یک مهمان، به باغ آربرتین به صاحبخانه احترام می‌گذارد. این احترام تا به آنجا پیش رفته که به جای آنکه نیمکت در فضای پارک پیش بیاید با حجب و حیایی خاص در دل مشاهده‌ها فرو رفته و خاموش، حل شده در محیط به

### پایان >

## تداخل

فرض کنید دل‌تان می‌خواهد دقایقی روی چمن پارک راه بروید یا بنشینید. قاعدتاً دنبال نقطه‌ای توی چمن می‌گردید که خیس و گلی نیست، صاف است و پستی و بلندی ندارد و خرده‌سنگی تیز آنجا نیست که بدن شما را خراش دهد. طرح پیشنهادی نیمکت پارک الکساندر برونوژ دقیقاً همین حس را دارد، انگار که او هم با دقت گشته و گوشه‌ای را وسط چمن پیدا کرده و با وسواس آنجا، جا خوش کرده است. این نیمکت‌های فلزی، به گونه‌ای طراحی



شدند که انگار زنی دامن یا مانتوی خود را از ترس خیس یا گلی شدن، کمی بالا برده است و با احتیاط با به درون فضای نامن چمن گذاشته است. پایه‌های این نیمکت، تنها در چند نقطه با زمین مرتبط است و این محدودیت باعث می‌شود بیشتر این حس وسواس منتقل شود. وسواس به خودی خود خوب نیست، اما وقتی پای همذات‌پنداری و درک متقابل پیش می‌آید، همه حس‌ها خوشایند می‌شوند. همان طور که این نیمکت‌ها حس مشترک و همذات‌پنداری آدم را برمی‌انگیزد و با درک متقابل، آدم